

تبیین تهدیدات امنیتی توافقنامه مشارکت استراتژیک آمریکا - افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شهرزاد ابراهیمی*
سید علی مجیدی نژاد**

چکیده

توافقنامه مشارکت استراتژیک آمریکا-افغانستان یک پیمان راهبردی است که به منظور استقرار امنیت، ثبات و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی در افغانستان، به امضا رسید. با توجه به رابطه خصمانه آمریکا و ایران و همجواری ایران با افغانستان، این توافقنامه استراتژیک تهدیداتی را متوجه امنیت ملی ایران خواهد کرد. اما پرسش اصلی این است که این توافقنامه استراتژیک که باعث حضور بلند مدت آمریکا در افغانستان و مزرهای ایران می‌شود چه تهدیداتی علیه امنیت ملی ایران خواهد داشت؟ در پاسخ به این سؤال این فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است که تهدیدات ناشی از این توافقنامه در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی - نظامی، اقتصادی، اجتماعی خواهد بود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و با استفاده از فیش برداری کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی

توافقنامه مشارکت استراتژیک آمریکا - افغانستان، امنیت، امنیت ملی، تهدیدات امنیتی، مکتب کپنهاگ.

طرح مسئله

توافقنامه که در کابل به امضای باراک اوباما و حامد کرزی، رؤسای جمهوری دو کشور رسیده است در مورد

ebrahimi_shahrooz@yahoo.com
alimajidinejad897@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۸

*. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان
**. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

چگونگی روابط دو کشور پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان در سال ۲۰۱۴ م است. این توافقنامه راهبردی از سال ۲۰۱۴ م تا سال ۲۰۲۴ م دارای اعتبار است و در صورتی که طرفین مایل به تمدید آن باشند، شش ماه قبل از پایان اعتبار آن هر دو طرفین آن را تمدید می‌کنند. این توافقنامه نشان داده که آمریکا اهدافی به مراتب گسترده‌تر از صلح و ثبات در افغانستان دارد و ایران در کنار چین و روسیه از مهم‌ترین این هدف‌ها می‌باشد و همین امر حساسیت کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران را نسبت به اهداف آنها از این حضور بلندمدت در افغانستان موجب گردید. حضور نظامی بلندمدت آمریکا از طریق توافقنامه استراتژیک در افغانستان تحت هر شرایطی و به هر دلیلی که باشد تهدیداتی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد کرد و این پژوهش با هدف شناخت تهدیدات این توافقنامه تنظیم شده و سؤال اصلی حاکی از این است که توافقنامه استراتژیک واشنگتن - کابل چه تهدیداتی را می‌تواند علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ فرضیه پژوهش حاکی از این است که توافقنامه بین دو کشور آمریکا و افغانستان که باعث حضور بلندمدت آمریکا در افغانستان خواهد شد، تهدیداتی را در ابعاد امنیتی - نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران به وجود خواهد آورد که در داخل متن به هر کدام به صورت جداگانه خواهیم پرداخت. سازمان دهی مقاله به این شرح می‌باشد: در قسمت اول به مفاهیم کلیدی مقاله، در قسمت دوم به چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و تفسیر موسع از امنیت، در قسمت سوم به ابعاد و ماهیت توافقنامه امنیتی واشنگتن - کابل و بالاخره در قسمت آخر به تهدیدات امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران در جنبه‌های سیاسی، نظامی - امنیتی، اجتماعی و اقتصادی در چارچوب تقسیم‌بندی باری بوزان از امنیت خواهیم پرداخت.

مفاهیم کلیدی

امنیت: تعاریف مندرج در فرهنگ لغت‌ها درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارد. (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۶) ایان بلانی در تعریف خود از امنیت گفته است «امنیت یعنی رهایی نسبی از جنگ، همراه با انتظارات نسبتاً زیاد اینکه نتیجه هر جنگی که رخ بدهد، شکست طرف مقابل است». تعریف و لفظ از امنیت این است که «معیار امنیت از لحاظ عینی فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ ذهنی نبود ترس از اینکه این ارزش‌ها مورد هجوم قرار خواهد گرفت». (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۷۰)

امنیت ملی: معنی کردن امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده‌ای است و در واقع تلاش برای ارائه تعریفی مشخص و مفید از امنیت ملی بدون در نظر گرفتن زمان و کاملاً مستقل از چارچوب آن، مؤثر نیست. واقعیت آن است که تاکنون در مجامع هیچ تعریفی از امنیت ملی که مورد توافق همگان باشد، ارائه نشده و

طی این سال‌ها به طور عمده این مقوله در چارچوب ملاحظات امنیتی و نظامی مورد توجه بود است. (یاوری بافقی، ۱۳۸۹: ۵۸۹) یکی از نخستین کسانی که امنیت ملی را تعریف کرده است، والتر لیپمن نویسنده و محقق آمریکایی است. لیپمن می‌گوید «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را به پیش برد» (روشندل، ۱۳۷۴: ۴) پیترسیون و سبنیوس با استفاده از تعریف کاربردی شورای امنیت ملی آمریکا، امنیت ملی را حفاظت جامعه از لطمه خوردن نهادها و ارزش‌های بنیادی آن تلقی می‌کنند. در تعریفی از فرانک ان. تراگر و اف. ان. سیمونی آمده، امنیت ملی عبارت از آن بخش از سیاست دولت است که هدفش شرایط مساعد سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه می‌باشد. باری بوزان می‌گوید. «در مسئله امنیت بحث اصلی درباره رهایی از تهدیدهاست و وقتی این بحث در عرصه بین‌الملل مطرح می‌شود، امنیت به معنی توانایی کشورها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و استحکام عملکردی خودی است». (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲)

تفاوت مفهوم سنتی و مدرن امنیت ملی: مفهوم سنتی امنیت ملی در درجه اول با امنیت نظامی ارتباط داشت و این مفهوم برخاسته از شرایط دوران کشور - دولت‌های جدید بود ولی بعد از جنگ سرد تهدیدات علیه امنیت ملی آشکار و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۳۸) از پایان جنگ سرد تلاش‌های فراوانی برای تغییر مفهوم «امنیت ملی» به عمل آمده است و اکنون تقریباً امنیت، همه جنبه‌ها، موضوعات و ابعاد یک کشور را در برمی‌گیرد. (شولتز، ۱۳۹۲: ۲۷۶) باری بوزان در کتاب خود تحت عنوان «مردم، دوات‌ها و هراس»، امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم کرده: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۸)

امنیت نظامی: به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط می‌شود.

امنیت سیاسی: ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم حکومتی و ایدئولوژی‌های است که به آنها مشروعیت می‌دهد.

امنیت اجتماعی: به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت و عرف ملی، با شرایط قابل قبولی از تحول مربوط است.

امنیت اقتصادی: یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

در یک جمع‌بندی کلی امنیت ملی را به معانی و پدیده‌های زیر می‌توان اطلاق کرد: ۱. حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، بقاء و ادامه سیستم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حاکمیت کشور، ۲. حفظ و ارتقای

منابع حیاتی کشور (منابع زیرزمینی، فرآورده‌های صنعتی، نیروی متخصص و سرمایه مالی) ۳. فقدان تهدیدات جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور. (امیر انتخابی، ۱۳۸۴: ۷۷)

انواع تهدیدات امنیت ملی: لغت‌نامه آکسفورد نیز برای تهدید دو نوع تعریف ارائه داده است: نخست، تهدید، قصد ابراز شده برای صدمه یا آسیب‌رسانی یا دیگر اقدامات خصمانه علیه کسی معرفی می‌شود و در تعریف دوم به شخص یا چیزی گفته می‌شود که بتواند خطر یا صدمه‌ای ایجاد کند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۲) تهدیدات امنیت ملی را به اشکال مختلف تقسیم کردند. باری بوزان تهدیدات امنیت ملی را به نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی تقسیم نمود. در تقسیم‌بندی دیگری تهدیدات علیه امنیت ملی به تهدیدات خارجی یا «برونداد» و تهدیدات داخلی یا «درون‌گرا» تقسیم شده‌اند. (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۹) از آنجا که پایداری فیزیکی و استقلال کشور در مقابله با تهدیدات خارجی نسبت به تهدیدات داخلی آسیب‌پذیرتر است، تهدیدات خارجی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تهدیدات امنیت ملی اهمیت خود را حفظ کرده است. تهدیدات خارجی اشکال مختلف دارد و ممکن است که امنیت ملی یک کشور از سوی دو یا چند کشور همسایه، دو یا چند کشور در سطح منطقه، دو یا چند کشور در سطح بین‌الملل مورد تهدید قرار گیرد. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ و تفسیر موسع از امنیت

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، آله ویور، دو ویلد و برخی دیگران به کار بستند. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۰) این مکتب تنها رهیافتی است که صرفاً مبنی بر مطالعات امنیتی و جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده و مطالعات امنیتی را از مطالعات استراتژیک تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) این مکتب امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است.

تهدید محوری در مفهوم امنیت: باری بوزان امنیت را در برابر «رہایی از تهدید» تعریف می‌نماید و معتقد است که امنیت در نبود مسئله دیگری به نام «تهدید» درک می‌شود. از نظر بوزان، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌گردد.

دولت محوری در مرجع امنیت: مکتب کپنهاگ با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر روی دولت به‌عنوان محور امنیت قرار می‌دهد و بر این نظر است که تاکنون در نظام بین‌الملل دولت‌ها قوی‌ترین بازیگران بوده و در حال حاضر به صورت مهم‌ترین معیار جهانی مشروعیت سیاسی درآمدند. اکنون دولت‌ها به سبب اقتدار سیاسی و درخواست وفاداری سیاسی، حالتی سیاسی غالب دارند و بر ابزارهای زور مسلط‌اند. مکتب کپنهاگ به سه دلیل اساسی دولت را مرجع امنیت می‌داند: اول، این دولت است که باید بر مسائل

بین‌المللی، دولتی، نیمه‌دولتی فائق آید؛ دوم، دولت‌ها اولین عامل در کاهش ناامنی‌اند و سوم، دولت‌ها بازیگران غالب در نظام بین‌الملل هستند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷)

امنیت موسع در برابر امنیت مضیق: مکتب کپنهاگ تک‌بعدی بودن امنیت را زیر سؤال می‌برد و بیان می‌دارد که تأکید بر بعد نظامی امنیت، تأثیر عمیقی بر نظامی شدن مطالعات امنیتی گذاشته و آن را به حوزه جنگ نزدیک کرده است و این مکتب با طرح امنیت در پنج حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی عملاً مفهوم تک‌بعدی بودن امنیت را رد می‌کند. به گفته بوزان، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف پدید آیند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۴۹)

اهداف مرجع امنیت: مکتب کپنهاگ به علت وجود طرح امنیت موسع در برابر امنیت مضیق و برای جلوگیری از خطر بی‌مهابای موضوعات امنیتی در حوزه‌های پنج‌گانه تلاش نموده تا اهداف مرجع امنیت را در برخی از حوزه‌ها مشخص کند. پیروان این مکتب که با استفاده از مفهوم تهدید وجودی موفق به انجام این کار شده‌اند، تهدیدات وجودی را ناظر بر تهدیداتی می‌دانند که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازند. بر این اساس، هدف مرجع در بخش نظامی «بقا» در بخش سیاسی «ایده حاکمیت» و نهادهای تجلی دهنده آن، و در بخش اجتماعی نیز «هویت» است. گفتنی است که ایده حاکمیت به ایدئولوژی، قواعد تشکیل‌دهنده حاکمیت و حتی هویت ملی تفسیر شده است. مکتب کپنهاگ برای بخش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی هدف، مرجع مشخصی معرفی نمی‌نماید و معرفی هدف مرجع در بخش اقتصادی را بسیار مشکل می‌داند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳)

مرکز ثقل امنیت: بوزان و همکارانش با الهام از ویور، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می‌دانند. ویور بر این باور است که مفهوم امنیت در سطح دولت شکل می‌گیرد؛ چراکه «به دلیل ساخت سیاسی دولت‌ها و سیستم بین‌المللی، مهم‌ترین زیستگاه کشورها تلقی می‌شود. در واقع، ارتباط سیاسی میان دولت‌ها و سیستم مذکور آن قدر نزدیک است که بحث مستقل حول آنها در معرفی اشتباهات اساسی قرار می‌گیرد». پس این مکتب با توجه به دولت‌محوری بعد امنیت ملی را مهم‌ترین ابعاد شناخت امنیتی خود در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، دولتی و اجتماعی ذکر می‌کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۰) مکتب کپنهاگ از محدود رهیافت‌هایی است که «امنیت موسع»، «تهدیدات امنیتی»، «امنیت ملی»، «بقاء»، «ایده حاکمیت» و «هویت» محور و پایه اساسی آن است و می‌توان تهدیدات امنیتی پیمان راهبردی آمریکا و افغانستان علیه امنیت ملی ایران را در قالب این رهیافت توجیه کرد.

توافقنامه مشارکت استراتژیک واشنگتن - کابل

قدم‌های عملی برای ایجاد روابط استراتژیک بین آمریکا و افغانستان در سال ۲۰۰۵ با امضای اعلامیه مشترک روابط استراتژیک توسط رؤسای جمهوری دو کشور برداشته شد. با آغاز به کار دوره دوم ریاست

جمهوری حامد کرزی و همچنین به قدرت رسیدن باراک اوباما، مذاکرات برای تجدید اعلامیه مشترک سال ۲۰۰۵ و تقویت محتوا و رژیم حقوقی آن سرعت گرفت. (بخشی، ۱۳۹۱: ۱) کرزای برای تصویب موافقت‌نامه امنیتی، لویی جرگه مشورتی متشکل از ۳۰۰۰ نفر از ۳۴ ولایت افغانستان را ترتیب داد که آنها را برای تصویب یا عدم تصویب معاهده به مشاوره دعوت نمود. لویی جرگه با اگرچه با اکثریت قاطع از تصویب آن حمایت نمود و همین‌طور حامد کرزای برای حمایت از آن دست به دیدارهای دیپلماتیک گسترده‌ای از کشورهای منطقه برای شنیدن نظرات آنها زد که به استثنای کشورمان ایران، بقیه از تصویب آن حمایت نمودند. (Hakimyar, 2014: 5) ولی به دلایلی از جمله موضوع مصونیت قضایی نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان و همین‌طور موضوع ورود نیروهای نظامی آمریکا به خانه‌های افغانی در مبارزه بر ضد تروریسم حامد کرزای از امضای توافقنامه خودداری نمود و پس از به قدرت رسیدن اشرف احمد غنی زی توافقنامه امضاء شد. (Recknagel, 2014) در نهایت، موافقت‌نامه امنیتی در سال ۲۰۱۵ اجرایی شد. حکومت افغانستان در ژانویه سال ۲۰۱۵ مسئولیت کامل امنیتی را از نیروهای بین‌المللی به عهده گرفت و به این ترتیب ایالات متحده به صورت رسمی مأموریت جنگی سیزده‌ساله را به پایان رساند. پس از آن، تأمین امنیت و مبارزه با طالبان به آزمونی برای نیروی امنیتی ۳۵۰ هزارنفری افغانستان تبدیل خواهد شد. نیروهای بین‌المللی کمک به افغانستان (آیساف) پس از این در نقش حمایتی و آموزشی به نیروهای امنیتی افغانستان کمک خواهند نمود و حدود ۱۲۵۰۰ نفر سرباز نیروی بین‌المللی که عمدتاً متعلق به آمریکا هستند در افغانستان باقی‌مانده‌اند (دیلی افغانستان، ۱۶ جدی ۱۳۹۳).

بر اساس آخرین نسخه از معاهده نامه، تعهدات افغانستان در برابر آمریکا بدین قرارند: ۱. حضور طولانی‌مدت آمریکا تا استقرار صلح در افغانستان. ۲. حق استفاده از سراسر قلمرو افغانستان. ۳. تعریف گسترده از نیروهای آمریکایی. ۴. اصل بودن قوانین آمریکا در عملیات نظامی. ۵. مدیریت و فرماندهی آمریکا در عملیات نظامی. ۶. حق آمریکا برای انجام عملیات نظامی بدون آگاهی و اطلاع دولت افغانستان. ۷. واگذاری پایگاه‌های نظامی عمده افغانستان به آمریکا. ۸. مالکیت آمریکا بر اموال منقول و غیرمنقول مورد استفاده در افغانستان. ۹. حاکمیت آمریکا بر حریم هوایی افغانستان. ۱۰. معافیت مالیاتی و معاف بودن بازرسی‌های دولت افغانستان. ۱۱. سلطه آمریکا بر شبکه‌های مخابراتی افغانستان. ۱۲. اعطای حق کاپیتولاسیون به نیروهای آمریکا. علاوه بر این، در متن این معاهده، تصریح شده است، آمریکا تا زمانی در افغانستان می‌ماند که تروریسم بین‌المللی هیچ‌گاه جهان را از خاک افغانستان مورد تهدید قرار ندهد و این یعنی اینکه احتمال دارد آمریکا تا سال‌ها به بهانه وجود تروریسم، در افغانستان بماند. (بخشی، ۱۳۹۱: ۳ - ۲) مهم‌ترین تعهدات آمریکا در برابر افغانستان عبارت‌اند از: ۱. ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت، از جمله تحصیلات عالی و آموزش‌های حرفه‌ای برای تمامی افغان‌ها در بخش‌های کلیدی. ۲. تحکیم و توسعه اقتصاد بازار و همکاری درازمدت با

هدف رشد مداوم اقتصاد افغانستان ۳. تلقی افغانستان به عنوان متحد عمده خارج از ناتو برای آمریکا ۴. تقویت نهادهای دولت افغانستان و ظرفیت حکومت‌داری با هدف گسترش همکاری درازمدت. ۵. عدم استفاده از خاک افغانستان علیه همسایگان. (متن کامل توافقنامه، ۱۳۹۳)

اهداف افغانستان از توافقنامه استراتژیک

۱. تثبیت موقعیت حکومت مرکزی و کم کردن نقش بازیگران مخرب خارجی: یکی از مشکلات اصلی دولت افغانستان فعالیت گروه‌های افراطی و تروریستی در داخل و نواحی مرزی افغانستان است. طالبان و شاخه نظامی آن القاعده هنوز هم در افغانستان فعالیت می‌کنند و بسیاری از رهبران القاعده و طالبان در شرق این کشور و در نزدیکی پاکستان حضور دارند و همواره دولت مرکزی را به چالش کشیده و آن را فاقد مشروعیت می‌دانند. افغانستان نگران است که خروج نیروهای آمریکا تا پایان سال ۲۰۱۵ م باعث قدرت یافتن طالبان در این کشور شود که این عمل می‌تواند باعث سقوط حکومت مرکزی و شروع جنگ داخلی در این کشور شود (بهرامی، ۱۳۹۰: ۲) این در حالی است که افغانستان از دخالت و حمایت همه‌جانبه پاکستان از طالبان و تمایل آن برای افزایش نقش گروه‌های تندرو در این کشور در راستای سیاست رقابت با هند آگاه است. (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۳)

۲. جذب سرمایه‌های خارجی و پیشبرد پروژه‌های زیر بنایی: دولت‌مردان افغانستان بر این باورند که پیمان استراتژیک با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، افغانستان را به متحد منطقه‌ای تبدیل می‌کند و در این راستا این موضوع شرایط مناسبی برای تمایل دولت‌های خارجی به منظور سرمایه‌گذاری در این کشور فراهم می‌آورد؛ و این پیمان استراتژیک می‌تواند موجب تقویت ثبات و امنیت در افغانستان شود و در نهایت زمینه جذب سرمایه‌گذاری لازم را مهیا کند. (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۰)

اهداف آمریکا از پیمان استراتژیک با افغانستان

۱. خارج کردن دولت‌های نفتی آسیای مرکزی از حوزه نفوذ روسیه و تقویت جایگاه ایالات متحده در منطقه و نظارت بر رفتار روسیه با توجه به چرخش روسیه در دوران پوتین برای بازسازی قدرت این کشور. (ملازهی، ۱۳۸۴: ۸۵) ۲. جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران با جلوگیری از پیوند گازی ترکمنستان - ایران. ۳. خنثی کردن طرح خط لوله نفتی ترکمنستان - ایران برای دریای عرب (در شمال شرقی اقیانوس هند، میان شبه‌جزیره عربستان و هندوستان). (بهرامی، ۱۳۹۰: ۲) ۴. بهبود فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های آمریکایی ۵. رقابت با چین در مقیاس منطقه‌ای و جهان (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶) ۶. آمریکا به دلیل ملاحظات مربوط به سیستم تک‌قطبی مطلوب خود قصد ندارد تا نقاط حساس و استراتژیک را خالی بگذارد، هرچند تقویت همکاری دوجانبه نظامی از جمله اهداف اصلی آمریکا در منطقه است. (حافظی، ۱۳۸۱: ۵۲) ۷. منزوی ساختن ایران و اعمال فشار علیه این کشور با پیگیری سیاست «همه‌چیز بدون ایران». (خانی، ۱۳۸۷: ۱۲) ۸. گسترش فرهنگ

آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد و سکولاریزم در منطقه. ۹. ستیز با اسلام سیاسی با عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی. ۱۰. تأمین و تضمین منافع اسرائیل. (پور احمدی، ۱۳۸۸: ۶۱)

جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین هدف توافقنامه استراتژیک

آنتونی کوردزمن تحلیل‌گر مسائل استراتژیک آمریکا می‌گوید:

با توجه به رقابت استراتژیک ایران با آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و آسیای جنوبی، تنش احتمالی و جنگ احتمالی بین ایران و آمریکا که البته احتمالش کمتر است، انگیزه دسترسی آمریکا به افغانستان بوده که می‌تواند از آن علیه ایران استفاده نماید. در واقع بنا به بیان او رقابت استراتژیک ایران و آمریکا نقش اصلی را در تصمیم‌گیری آمریکا ایفا نموده است. (khan, 2014: 2)

پس می‌توان گفت به غیر از چین و روسیه مهم‌ترین علت حضور آمریکا در افغانستان و تلاش برای امضای قرارداد امنیتی، جمهوری اسلامی ایران بوده است. بنابراین حضور بلندمدت نظامی آمریکا در افغانستان از طریق پیمان راهبردی آمریکا - افغانستان در همین راستا بوده و تهدیدات آن برای امنیت ملی ایران در ابعاد موسع‌تری نسبت به گذشته است که مهم‌ترین این تهدیدات در قالب مکتب کپنهاگ عبارت‌اند از: (طالعی حور، ۱۳۹۲: ۲۲)

تهدیدات سیاسی توافقنامه واشنگتن - کابل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تهدیدات سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید سیاسی ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عالی تهدیدات سیاسی به شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدیدات سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۳) و تهدیدات توافقنامه واشنگتن - کابل به‌عنوان نمود عینی تعریف فوق تهدیدات سیاسی زیر را در آینده علیه امنیت ملی ایران به همراه خواهد داشت

۱. تهدیدات ناشی از یک حکومت لیبرال دموکراسی در افغانستان: هنوز مشخص نیست که ساختار قدرت در افغانستان با چه تحولاتی روبه‌رو است و آمریکا بر آن است تا گفتمان لیبرال دموکراسی را جایگزین گفتمان مسلط موجود نماید و با شعارهای دموکراسی، حقوق زنان، میان‌روزی، آزادی‌های مدنی، اقتصاد مبتنی بر تجارت آزاد و دوستی با غرب این الگوی ایدئولوژیک را در کشور افغانستان پیاده نماید (پور سعید، ۱۳۸۳: ۴۹۱) حضور نظامی آمریکا در افغانستان در کنار این واقعیت که سایر تجربه‌های حکومتی در افغانستان شکست

خورده‌اند، شرایط را برای استقرار حکومتی لیبرال دموکرات در افغانستان در بلندمدت مساعد خواهد کرد (ملازهی، ۱۳۸۳: ۲۰۶) و روی کار آمدن لیبرال دموکرات‌ها در افغانستان تجربه‌ای جدا از نظام حکومتی در ایران خواهد بود و به نوعی چالشی هرچند غیرمستقیم برای ایران در بر خواهد داشت. از این‌رو، باید تداوم حضور آمریکا در افغانستان و ترویج لیبرال دموکراسی در این کشور و مقابله با اسلام را نوعی تهدیدی برای نظام سیاسی حاکم بر ایران تصور کرد. (شغیعی، ۱۳۸۷: ۲۷)

۲. تهدیدات ناشی از قدرت‌یابی دوباره پشتون‌ها: در خصوص افغانستان چندین نشست منطقه‌ای و یک نشست گسترده بین‌المللی در لندن برگزار شد و ایران غایب بزرگ این نشست بین‌المللی بود. در این کنفرانس به دستور مقامات آمریکایی چندین موضوع در دستور کار قرار گرفت که یکی از این موضوعات مذاکره با طالبان و دعوت از آنها برای شرکت در قدرت در قالب «طرح مصالحه ملی» بود که مورد حمایت جامعه بین‌المللی قرار گرفت و بر اساس نتایج کنفرانس لندن، تماس، مذاکره و توافق با طالبان برای اداره امور افغانستان یکی از تحولات آینده افغانستان است و حضور دوباره طالبان در قدرت به مفهوم یک چیدمان جدید قومی در افغانستان است که دوباره همه امور افغانستان را در اختیار پشتون‌ها قرار می‌دهد و زمینه‌ساز حذف دیگر اقوام غیر پشتون در افغانستان می‌شود. (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۲۵) و قدرت‌یابی دوباره پشتون‌ها می‌تواند به چند شکل برای امنیت ملی ایران تهدیدی باشد.

الف) طرح مسئله خط «دیورانند» و مسئله تمامیت ارضی ایران: خط دیورانند قبایل پشتون را به دو بخش تقسیم کرد که بخشی از آنها در قلمرو دولت بریتانیا در هند قرار داشت که بعد از استقلال پاکستان، به پاکستان الحاق شدند و پشتونستان افغانستان تا به حال این خط تقسیم را نپذیرفته‌اند. (ملازهی، ۱۳۸۳: ۱۸) زیرا در ذهنیت پشتون‌ها قلمرو آنها بلوچستان پاکستان را که خود از آن به نام «پشتونستان جنوبی» یاد می‌کنند، شامل می‌شود. از آنجا که قومیت بلوچ در هر سه کشور افغانستان، پاکستان و ایران وجود دارد، اندیشه پشتونستان و بلوچستان بزرگ در هر حال دلالت بر این دارد که این منطقه در واحد سیاسی مستقل سازمان‌دهی شود و این اندیشه مناطق بلوچ‌نشین ایران را نیز شامل می‌شود. (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) به طور طبیعی ایران در مقابل این ادعای ناسیونالیست‌های پشتون به لحاظ امنیتی درگیر می‌شود و به دلیل تضاد آمریکا و ایران، این احتمال وجود دارد که حضور نظامی بلندمدت این کشور در افغانستان طرح فدراسیون افغانستان، پشتونستان و بلوچستان را با اندک تغییراتی مورد توجه قرار دهد که این مسئله با تمامیت ارضی ایران در ارتباط است. (شغیعی، ۱۳۸۱: ۳۹)

ب) تهدیدات ناشی از تشدید تضاد مذهبی بین شیعه و سنی: عامل مذهب، پیش از قومیت در مناسبات ایران و افغانستان ایفای نقش کرده است. هزاره‌های شیعه‌مذهب، همواره تحت فشار حکومت‌های پشتون سنی مذهب متوجه ایران بودند. در هر دوره‌ای که عامل مذهب در افغانستان از سایر عوامل پررنگ‌تر بود

مثل زمانی که امیر عبدالرحمن خان که شیعیان افغانستان به شدت تحت فشار بودند ایران درگیر این مشکل افغانستان شد. بعد از سقوط طالبان دو عامل مذهب شیعه و زبان فارسی زمینه‌سازی نفوذ ایران در افغانستان را فراهم آوردند. (ملازهی، ۱۳۹۳: ۱۶ - ۱۵) حضور بلندمدت نظامی آمریکا از طریق پیمان راهبردی با افغانستان و حمایت از طرح مصالحه ملی که باعث قدرت‌یابی دوباره پشتون‌ها و طالبان در عرصه قدرت می‌شود، کاهش نفوذ ایران در افغانستان و درگیر شدن ایران در مسائل مذهبی را به همراه دارد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷)

ج) تهدیدات ناشی از قدرت‌یابی عربستان در افغانستان: در صورت قدرت‌یابی مجدد پشتون‌ها در صحنه سیاسی افغانستان در سطح منطقه‌ای نیز موقعیت عربستان به دلیل نزدیکی با آمریکا و طالبان در افغانستان بهبود می‌یابد و با نگاهی به ترکیب دولت حامد کرزی نشان می‌دهد که بیشتر کسانی که ایران از آنها حمایت می‌کرد یا گرایش دوستانه‌ای با ایران داشته‌اند، نتوانسته‌اند صاحب‌منصب شوند اما در مقابل، متحدان عربستان و چهره‌هایی که مورد حمایت ریاض بودند نتوانسته‌اند کرسی‌های کابینه حامد کرزی را تثبیت کنند و حتی فراتر از آن گفته می‌شود عربستان قصد دارد که میانجی میان طالبان و کابل را به عهده بگیرد و این باعث شد تا وزنه عربستان در برابر ایران در منطقه سنگینی کند. (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۲۵)

عربستان سعودی در زمینه‌های مذهبی در افغانستان فعال است و به دنبال تأسیس یک مرکز اسلامی به نام ملک عبدالله پادشاه عربستان در کابل است. عربستان با تأسیس شبکه‌ای از مدارس تحت پوشش خود با فراغ بال بیشتر به انتشار تفکرات سلفی و وهابی در افغانستان می‌پردازد که با توجه به دشمنی طالبان و سلفی‌ها با ایران این اقدام عربستان تهدیدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. (بختیاری، ۱۳۹۱: ۱)

تهدیدات امنیتی - نظامی توافقی‌نامه استراتژی آمریکا - افغانستان بر امنیت ملی ایران: تهدیدات نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است؛ معمولاً اقدامات نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند. چون استفاده از زور می‌تواند تحولات نامطلوب ناگهانی در سطح گسترده‌ای را سبب شود، تهدیدات نظامی در برنامه امنیت ملی از بالاترین اولویت برخوردارند و اقدام نظامی می‌تواند دستاوردهای ارزشمند در زمینه سیاست، هنر، صنعت، فرهنگ و همه جنبه‌های انسانی را به وسیله زور از بین ببرد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۱) به طور طبیعی کشورهای هم‌جوار هر کشوری دوستان و دشمنان بالقوه آن را تشکیل می‌دهند و بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که بیشتر جنگ‌ها و اتحادیه‌ها میان کشورهای هم‌جوار اتفاق می‌افتد. (یزدان فام، ۱۳۸۹: ۲۲) افغانستان به‌عنوان همسایه شرقی ایران با مرز زمینی مشترکی که صدها کیلومتر با ایران دارد، همواره در چارچوب ملاحظات امنیتی کشورمان جایگاه و موقعیت خاصی داشته است. (کیوان حسینی، ۱۳۷۶: ۳۹) حضور نظامی نیروهای خارجی در اطراف مرزهای یک کشور هیچ‌گاه بدون تهدید نخواهد بود. پس حضور دشمن دیرینه، یعنی آمریکا در افغانستان تهدیداتی را به لحاظ امنیتی - نظامی متوجه امنیت ملی ایران خواهد کرد. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱) که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. محاصره فیزیکی و عملیات جاسوسی علیه ایران: آمریکا با اشغال افغانستان و عراق در شرق و غرب ایران به نوعی در همسایگی ایران قرار گرفته است. از بین سی‌وهفت پایگاه نظامی آمریکایی مستقر در خاک افغانستان ۱۸ پایگاه نظامی آمریکا در دو استان هرات و فراه که بیشترین نزدیکی به مرزهای ایران را دارند، واقع شدند. (عابدی، ۱۳۸۹: ۲۸) این موضوع تهدیدات ناشی از حضور آمریکا در مرزهای ایران را دوچندان کرده است و حلقه محاصره بر ایران را تنگ تر کرده است. (طالعی حور، ۱۳۹۲: ۲۲) آمریکا از توان ماهواره‌ای برخوردار است که می‌تواند پایگاه‌های نیروهای متخاصم را از هزاران کیلومتر دورتر مشخص کند. آمریکا دارای هواپیماهای بدون سرنشین^۱ است که از راه‌های دور افراد دشمن را هنگامی که در حال جنگیدن نیستند، مشخص می‌کند و با موشک‌های بسیار دقیق آنها و اطرافیان‌شان را نابود می‌سازد. (دهشیار، ۱۳۹۰: ۲۱۳) آمریکا تاکنون ۱۶ سازمان اطلاعاتی - امنیتی در افغانستان تأسیس کرده است که کارویژه و مأموریت آنها عملیات جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از کشورها و مناطق پیرامون افغانستان بوده است. برای مثال پرواز پهپاد (RQU170) بر فراز خاک ایران توسط یکی از همین سازمان‌های امنیتی صورت گرفت. آمریکا به‌طور روزانه هواپیماهای بدون سرنشین خود را بر فراز کشورهای ایران، پاکستان، چین و مناطق پیرامون روسیه پرواز می‌دهد. آمریکا هم‌اکنون در حال تأسیس سازمان امنیتی - اطلاعاتی هفدهم خود در افغانستان است که قادر است به راحتی خطوط تلفن ایران و پاکستان را که از تکنولوژی‌های نسل اول و دوم استفاده می‌کنند، شنود کنند. آمریکا با ادامه دادن به حضور خود از طریق پیمان راهبردی با افغانستان قادر است به عملیات جاسوسی خود ادامه دهد و همین عامل، خود یکی از دلایل نگرانی ایران از این پیمان استراتژیک است. (غلامی، ۱۳۹۱: ۲)

۲. تهدیدات امنیتی ناشی از فراهم کردن شرایط برای حضور اسرائیل در افغانستان: تجربه حضور نظامی آمریکا در سایر کشورها نشان داد که همیشه زمینه‌ساز حضور اسرائیل بوده است. ترکیه و آذربایجان در مرزهای شرقی و شمالی ایران را می‌توان مثال آورد. از این‌رو، شک نباید داشت که افغانستانی که تحت نفوذ آمریکا باشد زمینه مساعدی برای حضور اسرائیل خواهد بود. (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۲۶) اسرائیل در راستای سیاست حضور در مناطق مجاور کشورهای دشمن، از زمان تشکیل دولت موقت در افغانستان در پی برقراری و گسترش همکاری اقتصادی، تجاری و کشاورزی با افغانستان بوده است و با پیشنهاد کمک‌های انسانی و بازسازی نظام کشاورزی افغانستان، سعی کرد توجه دولت‌مردان افغان را برای برقراری روابط سیاسی جلب نماید. (قویدل، ۱۳۸۳: ۲۴۹)

سابقه حضور اسرائیل در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نشانگر آن است که هرچند این رژیم به‌عنوان همکاری تجاری و کشاورزی وارد می‌شود اما به مرور این رژیم، دایره همکاری را به حیطه امنیتی، نظامی و

^۱. ARONE

اطلاعاتی تسری می‌دهد. اسرائیل از طریق ایجاد مراکز سمع، جاسوسی الکترونیکی، نصب رادار و پایگاه‌های جمع‌آوری اطلاعات زمینی در مناطق نزدیک به شرق ایران و شمال پاکستان در راستای تحقق اهداف استراتژیک خود که فشار بر ایران و پاکستان است گام برمی‌دارد. (فراهانی، ۱۳۸۴: ۲۰۶) به این ترتیب، اسرائیل در افغانستان پس از حادثه یازده سپتامبر، در جهت «سیاست مناطق مجاور» گام برداشته است؛ تا با نفوذ در مناطق مجاور کشورهای دشمن بر آنها ضربه وارد کند و ضمن فرصت‌سازی در امنیت ملی و رخنه در حیات خلوت سیاست خارجی ایران و پاکستان فرصت‌های این دو بازیگر را سلب کند. اسرائیل به دلیل عدم مشروعیت سیاسی، کمبود منابع انسانی، فقدان عمق استراتژیک و وابستگی سیاسی به آمریکا، با اتخاذ سیاست پیشگیرانه دفاعی مثل حضور در افغانستان، برای ضربه آمینتی به کشورهای دشمن، در جهت تحقق منافع ملی خود گام برمی‌دارد. (قویدل، ۱۳۸۳: ۲۴۳)

تهدیدات اجتماعی ناشی از پیمان استراتژیک واشنگتن - کابل بر امنیت ملی ایران: «امنیت اجتماعی» عبارت است از آرامش و آسودگی که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۲) از نظر باری بوزان «در روابط بین دولت‌ها، تهدیدات خارجی مهم در سطح اجتماعی، به حمله به هویت ملی مربوط می‌شود». از نظر وی تهدیدات اجتماعی زمانی واقع می‌شوند که اصولاً ماهیت اجتماعی یک دولت در معرض خطر قرار گیرد. بوزان، امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، هویت مذهبی، نژادی تعریف کرده و تحول یا ترتیبات جدید را به‌عنوان یک تهدیدی علیه آنها می‌داند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۷) آنچه که در بحث امنیت اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند، امنیت انسانی و امنیت فرهنگی است. «امنیت انسانی به محافظت مردم از خطرات تهدیدکننده جدی زندگی مربوط می‌شود». (پائولین، ۱۳۸۷: ۶۰۷) یکی از این خطرات تهدیدکننده جدی زندگی که منشأ بیرونی دارد و امنیت ملی ایران را به خطر می‌اندازد، اعتیاد به مواد مخدر است. (یزدانی، ۱۳۸۹: ۵۵) «امنیت فرهنگی عبارت از ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض می‌باشد که انسان نسبت به دین، افکار، آداب‌ورسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و ... تدارک دیده است». (عصاریان نژاد، ۱۳۸۴: ۸۳) بوزان معتقد است که هویت ملی اغلب از داخل کشورهای چندقومیتی مورد تهدید قرار می‌گیرد. ایران به‌عنوان کشوری که تنوع قومی - فرقه‌ای دارد همیشه از طرف بسیاری از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید قرار می‌گرفت و حضور بلندمدت آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین مخالف جمهوری اسلامی ایران از طریق پیمان راهبردی با افغانستان، تهدیداتی اجتماعی را علیه امنیت ایران در پی خواهد داشت که عبارت‌اند از:

۱. تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش‌های قومی - فرقه‌ای. ۲. بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای مسلحانه. (یزدانی، ۱۳۸۹: ۵۶) ۳. جلوگیری از بازسازی حوزه فرهنگ اسلامی - ایرانی در افغانستان: کشور افغانستان و ایران دارای اشتراکات مذهبی، زبانی و فرهنگی هستند و

ایران به دلیل پیوندهای تاریخی و فرهنگی که با ملت افغانستان و کشورهای آسیای میانه دارد، از زمینه‌ها و امکانات گسترده‌ای برای نفوذ و اشاعه تمدن فرهنگی منطقه‌ای برخوردار است. (سجادی، ۱۳۸۰: ۲۶۲)

حضور نیروهای آمریکا در افغانستان می‌تواند منجر به اشاعه فرهنگ غیربومی و در نتیجه استحاله تدریجی فرهنگ ایرانی - اسلامی در بین مردم افغانستان شود. با توجه به اینکه زبان فارسی دری در افغانستان تا قبل از حضور نیروهای فرمانطقه‌ای به‌عنوان یک وجه مشترک زبانی بین ایران و افغانستان مدنظر بود. در حال حاضر فراگیر شدن غیرقابل‌انتظار زبان انگلیسی در بین کودکان افغان می‌تواند در آینده باعث تغییر دیدگاه نسل آینده افغان‌ها و کم‌توجهی در حفظ این زبان ملی مشترک شود. (تمنا، ۱۳۸۷: ۹) ۴. تهدیدات ناشی از افزایش مواد مخدر در افغانستان: تولید، قاچاق و ترانزیت مواد مخدر از افغانستان یکی از شاخص‌هایی است که امنیت ملی ایران را به بحران افغانستان پیوند زده و به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی هزینه‌های بسیاری را بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل می‌نماید. (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱) بر اساس «گزارش سازمان ملل» حضور آمریکا و غرب در افغانستان، موجب افزایش تولید و ترافیک مواد مخدر در افغانستان شده است و در حالی که افغانستان در دوره طالبان ۱۸۵ تن تریاک تولید می‌کرد، در سال ۲۰۰۷ به ۳۴۰۰ تن و در سال‌های بعد به ۸۲۰۰ تن نیز افزایش یافته است. این چالش، تهدیدی مستقیم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که در صورت حضور بلندمدت نیروهای نظامی آمریکا در خاک افغانستان این تهدید تداوم و افزایش خواهد یافت؛ زیرا بخش عمده‌ای از هزینه‌های سنگین نظامی آمریکا در جهان از جمله در افغانستان و عراق، از طریق تجارت پرسود مواد مخدر به دست می‌آید. (بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۹)

بر اساس «مرکز ارزیابی استراتژیک بودجه آمریکا» هزینه‌های جنگ و حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی بالغ بر ۷۰۰ میلیارد دلار بود و دولت این کشور به هیچ وجه توان تأمین این مبلغ را از طریق منابع داخلی نداشت و برای تأمین آن از شیوه‌های سیاست پنهان استفاده می‌نمود. در مجموع باید گفت که عملکرد نیروهای آمریکا در افغانستان و سیاست‌های پنهان آنان، تولید مواد مخدر را در این کشور افزایش داده، به‌گونه‌ای که تأثیرات منفی آن در افغانستان و نیز همسایگان این کشور به‌ویژه ایران مشهود است (پورقیومی، ۱۳۸۹: ۱۷۷) در سایه ورود مواد مخدر از افغانستان به ایران تعداد مبتلایان به مواد مخدر افزایش یافت که از نظر زیان‌های مالی و جانی خسارات قابل توجهی را به ایران تحمیل کرده است و هزینه‌های تحمیل شده به ایران از طریق مبارزه با مواد مخدر سالیانه بالغ بر ۵۶۱ میلیون دلار است که صرف بستن مرزها و مقابله با قاچاقچیان مواد مخدر در شرق کشور می‌شود. تعداد تلفات نیروهای انتظامی در مقابله با قاچاقچیان بالغ بر ۳۲۰۰ نفر اعلام شد و در طول سالیان ورود مواد مخدر به کشور، به تعداد معتادان و زندانیان مصرف مواد مخدر و گستره جغرافیای آن افزوده شده است؛ به طوری که ۷۵ درصد فضای زندان‌ها به این امر اختصاص داده شده است. با توجه به جوان بودن بافت جمعیتی کشور و گسترش

روزافزون اعتیاد در میان جوانان باید آن را یک تهدیدی امنیتی که کل جامعه را تهدید می‌کند، تلقی شود. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۳)

تهدیدات اقتصادی ناشی از قرارداد امنیتی واشنگتن - کابل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: «بوزان» به نظر تهدیدات اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چهارچوب امنیت ملی است. تهدیدات اقتصادی یعنی عدم دسترسی به منابع، مالیه و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. تهدیدات اقتصادی شبیه حمله دولت است، با این توضیح که اعمال و اقدامات هوشیارانه خارجی توسط دیگران که منجر به ضرر مادی شده و بر نهادهای مختلف دولت فشار می‌آورد و حتی خسارت‌های زیادی به سلامتی و طول عمر جمعیت می‌زند، با حمله نظامی برابری نمی‌کند؛ زیرا حمله نظامی از مرز بین رفتار مسالمت‌آمیز و تجاوزکارانه عبور می‌کند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵۶) امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به معنای توانایی نیازهای جامعه، رفاه اقتصادی و توسعه صنعتی، فناوری، اقتصادی و تجاری از طریق حفظ اصول سازمان‌دهنده اقتصاد ملی و دسترسی به منابع، سرمایه و بازار جهانی، به چند صورت ممکن است تهدید شود. بعضی از تهدیدات اقتصادی ایران، ناشی از سیاست‌ها و اقداماتی است که آمریکا علیه ایران اتخاذ کرده است (فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۱۲۹) و حضور بلندمدت آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین مخالف جمهوری اسلامی ایران از طریق پیمان راهبردی با افغانستان تهدیدات اقتصادی را علیه امنیت ایران در پی خواهد داشت که عبارت‌اند از:

۱. تهدیدات ناشی از «ترانس افغانستان»: این طرح به طول ۱۴۶۰ کیلومتر از منطقه دولت‌آباد ترکمنستان آغاز و از قندهار و هرات افغانستان به پاکستان خواهد رسید و سالیانه ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز از آن صادر خواهد شد. (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۸۱) آمریکا به دلیل مشکلاتش با ایران اجازه نمی‌دهد که مسیر ایران و روسیه در انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی ایفای نقش نمایند و کشورهای آسیای مرکزی را تشویق به پذیرش مسیر افغانستان - پاکستان می‌کند و این موضوع مطلوب ایران نیست؛ چراکه با حذف مسیر ایران، این کشور از منافع اقتصادی نسبتاً زیادی محروم می‌شود. ایران در این خطوط در وضعیت نامساعدی قرار دارد که مستقیماً از اشغال افغانستان و حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی ناشی شده است. (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۲۸۲) از نظر امنیتی، عبور خط لوله صادرات نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز از ایران، بر اصل وابستگی متقابل، امنیت این کشورها را به امنیت ایران پیوند خواهد زد و همسایگان ما ناچار خواهند شد در رفتارهای سیاسی خود ملاحظات امنیتی ایران را در نظر بگیرند. (فلاحی پیشه، ۱۳۸۰: ۳۶)

۲. تهدیدات اقتصادی ناشی از روند رشد مهاجرت: حضور ناتو و آمریکا در افغانستان به صورت مستقیم و غیرمستقیم تهدیدات اقتصادی دیگری را نیز برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. ناامنی و بی‌ثباتی حاصل از حضور ناتو و آمریکا در افغانستان موجب افزایش روند مهاجرت از این کشور به کشورهای هم‌جوار، از جمله ایران شده است. شمار افغان‌هایی که به شکل قانونی و غیرقانونی وارد ایران شده

و در نقاط مختلف ساکن و مشغول به کار شده‌اند به بیش از ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر رسیده و تهدیدآمیز شده است. ادامه این روند می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری بر امنیت ایران داشته باشد. جایگزینی کارگران افغانی به جای افراد بومی، افزایش جمعیت، خروج نرخ ارز از کشور، افزایش بیکاری پنهان و مشاغل کاذب، استفاده مهاجران از امکانات عمومی و نپرداختن مالیات از سوی آنها، همگی امنیت ملی را در حوزه مسائل اقتصادی و اجتماعی با تهدیدات عمده روبه‌رو خواهد ساخت. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۳)

۳. تهدیدات ناشی از کریدور شمال - جنوب: آمریکا با استقرار خود در افغانستان تلاش خواهد کرد تا ارتباطات بازرگانی آسیای مرکزی با شبه‌قاره هند را که عمدتاً از طریق ایران انجام می‌گیرد به محور افغانستان منتقل نموده و در عین حال اهداف منطقه‌ای ایران مبنی بر کریدور شمال - جنوب را ناکام گذارد که این کار از طریق مخالفت با عبور خطوط انتقال گاز و نفت آسیای مرکزی و دریای خزر از طریق ایران به بازارهای جهانی صورت گرفت و آمریکا از پروژه انتقال نفت قرقیزستان و پروژه گازی ترکمنستان به ایران جلوگیری کرده است؛ و در حال حاضر واشنگتن در تلاش است تا با عملی کردن لوله گاز «تاپی»، گاز ترکمنستان را به پاکستان و هند منتقل کند. (نادریور، ۱۳۸۴: ۱۵)

نتیجه

توافقنامه مشارکت استراتژیک آمریکا - افغانستان یک پیمان راهبردی است که میان دو کشور آمریکا و افغانستان به منظور استقرار امنیت، ثبات و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی در افغانستان، به امضا رسید. با توجه به روابط خصمانه آمریکا و ایران و هم‌جواری ایران با افغانستان، این توافق‌نامه استراتژیک تهدیدات موسعی را متوجه امنیت ملی ایران خواهد کرد؛ در بعد سیاسی حضور بلندمدت آمریکا می‌تواند باعث شکل‌گیری یک نظام لیبرال دموکراسی در افغانستان، حمایت از پشتون‌ها برای سهیم شدن در قدرت شود که این امر باعث طرح دوباره مسئله خط «دیورانند» توسط پشتون‌ها و تشدید تضاد مذهبی بین شیعه و سنی و قدرت‌یابی عربستان در افغانستان می‌شود که این اقدامات تهدیداتی را برای نظام سیاسی ایران به همراه دارد.

در بعد نظامی باعث محاصره فیزیکی ایران و انجام عملیات جاسوسی علیه امنیت ملی و تقویت نفوذ اسرائیل در منافق هم‌جوار ایران می‌شود. در بعد اجتماعی باعث تضعیف انسجام ملی مردم ایران از طریق تنش‌های قومی - فرقه‌ای، بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی - فرقه‌ای مسلحانه و جلوگیری از بازسازی حوزه فرهنگ اسلامی - ایرانی در افغانستان و افزایش مواد مخدر و افزایش خسارات مادی و معنوی ناشی از گسترش مواد مخدر می‌شود.

در بعد اقتصادی باعث تقویت «تراس افغانستان»، ممانعت از شکل‌گیری کریدور شمال - جنوب و تقویت

روند مهاجرت افغانه به ایران می‌شود که این اقدامات باعث عدم دسترسی ایران به بازارهای آسیای مرکزی، جلوگیری از رسیدن انرژی ایران به بازارهای دنیا و افزایش نرخ بیکاری در ایران، بیرون رفتن ارز از کشور، بالا رفتن هزینه‌های عمومی، نپرداختن مالیات توسط افغان‌ها می‌شود که همگی تهدیداتی علیه امنیت ملی جمهوری ایران هستند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهروز و مصطفی صمدی، ۱۳۹۰، «رقابت روس و آمریکا در قفقاز جنوبی»، *فصلنامه اور آسیای مرکزی*، س ۴، ش ۸.
۲. ابراهیمی، شهروز، ۱۳۷۹، «تحول مفهوم امنیت: از امنیت ملت‌ها تا امنیت جهانی»، *مجله سیاست دفاعی*، ش ۳۱.
۳. ابراهیمی، نبی‌الله، ۱۳۸۶، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۲۱، ش ۲.
۴. احمدی‌نژاد، حمید، ۱۳۹۱، «حضور ناتو در محیط امنیتی ایران (مطالعه موردی افغانستان)»، *فصلنامه سیاسی، نظامی اقتدار*، س ۳، ش ۴ و ۵.
۵. اسمیت، استیو و جان‌بیلیس، ۱۳۸۳، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، ابرار معاصر.
۶. امیرانتخابی، شهزود، ۱۳۸۴، «فرصت‌ها و تهدیدها در مسئله ملی ایران با تأکید بر محور انگلستان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۳۷.
۷. بختیاری، رحمت‌الله، ۱۳۹۱، «مدرسه‌های سلفی، زنگ خطر برای امنیت منطقه»، *دیپلماسی ایرانی*.
۸. بخشی، جواد، ۱۳۹۱، *همکاری استراتژیک، سندی برای امنیت افغانستان یا اهداف آمریکا*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.
۹. بصیری، محمدعلی، ۱۳۷۹، «تحولات مفهوم امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، س ۷.
۱۰. بلوچی، حیدر علی، ۱۳۸۰، «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۳۳.
۱۱. بهرامی، محمد، ۱۳۹۰، *بررسی پیمان استراتژیک ایالات متحده و افغانستان*، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.
۱۲. بهرامی، محمدرضا، ۱۳۹۱، *تحولات افغانستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

۱۳. بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه مطالعات راهبردی، تهران، مطالعات راهبردی.
۱۴. پائولین، کر، ۱۳۸۷، «امنیت انسانی»، ترجمه دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۱، ش ۳.
۱۵. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۸، «تأثیر اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه بر منافع جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه بین‌الملل و روابط خارجی، س ۱، ش ۲.
۱۶. پورسعید، داود، ۱۳۸۳، «عراق جدید و تهدید منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۶، ش ۲.
۱۷. پورقیومی، ایوب و حشمت‌الله ابراهیمی، ۱۳۸۹، «شاخص‌های تهدیدآمیز بودن ناتو در افغانستان در تقابل جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، س ۱۹، ش ۷۳.
۱۸. تمنا، فرامرز، ۱۳۸۷، افغانستان جدید و منافع جمهوری اسلامی ایران، تهران، مطالعات راهبردی.
۱۹. _____، ۱۳۸۷، سیاست خارجی آمریکا در افغانستان، تهران، مطالعات راهبردی.
۲۰. جمراسی، فراهانی، ۱۳۷۴، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی و عوامل تهدیدات امنیت ملی و شیوه‌های حراست از آن در سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۱. حافظی، حمیدرضا، ۱۳۸۱، «تعامل روس و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز پس از حادثه یازده سپتامبر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۹.
۲۲. خانی، محمدحسن و مهدی تصوجیان، ۱۳۸۷، «تلقی سیاست خارجی آمریکا از قفقاز پس از تحولات ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۲.
۲۳. دهشتیار، حسین، ۱۳۹۰، سیاست خارجی آمریکا در افغانستان، تهران، میزان.
۲۴. دهقانی، سید جلال‌الدین، ۱۳۸۳، «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳.
۲۵. روشندل، جلیل، ۱۳۷۴، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، سمت.
۲۶. سجادی، عبد القیوم، ۱۳۸۰، «جامعه» شناسی افغانستان، قومیت، مذهب و حکومت، قم، حوزه علمیه.
۲۷. شفیعی، نوذر، ۱۳۸۱، «بازی قدرت در صحنه افغانستان: اهداف و الگوهای رفتاری»، مجله سیاست دفاعی، ش ۴۰ و ۴۱.
۲۸. _____، ۱۳۸۷، تهدیدات امنیتی ایران از ناحیه افغانستان قبل و بعد ۱۱ سپتامبر (قسمت اول)، کتابخانه دیجیتالی دید.
۲۹. _____، ۱۳۸۷، تهدیدات امنیتی ایران از ناحیه افغانستان قبل و بعد ۱۱ سپتامبر (قسمت دوم)، کتابخانه دیجیتالی دید.

۳۰. طالعی حور، رهبر و عبدالرضا باقری، ۱۳۹۲، «پیمان راهبردی آمریکا - افغانستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ش ۴۲.
۳۱. عابدی، عقیقه، ۱۳۸۹، «پایگاه‌های نظامی آمریکا در مناطق هم‌جوار ایران»، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، س ۸، ش ۸۷.
۳۲. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۳، *نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران، ابرار معاصر.
۳۳. عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، *تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)*، تهران، ابرار معاصر.
۳۴. _____، ۱۳۸۹، *نظریه‌های امنیت*، تهران، ابرار معاصر.
۳۵. عصاریان نژاد، حسین، ۱۳۸۴، «امنیت و قومیت در جمهوری اسلامی ایران»، *ماهنامه دانشگاه عالی دفاع ملی*، ش ۴۸ و ۴۹.
۳۶. غلامی، طهمورس، ۱۳۹۱، *آثار و پیامدهای پیمان راهبردی آمریکا - افغانستان*، مرکز بین‌المللی صلح.
۳۷. فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله، ۱۳۸۰، *تحولات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، معاونت پژوهشی.
۳۸. قویدل، مهدی، ۱۳۸۳، «نگاه اسرائیل به افغانستان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر»، *کتاب آسیا (۳) ویژه افغانستان پس از طالبان*، تهران، ابرار معاصر.
۳۹. کیوان حسینی، اصغر، ۱۳۷۶، «پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله سیاست دفاعی*، ش ۲۱ و ۲۰.
۴۰. ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، مطالعات راهبردی.
۴۱. ماها پاترا، شینتاماتی، ۱۳۷۷، «سیاست ایالات متحده در قبال افغانستان»، ترجمه ساناز طبرستانی، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۲۷ - ۱۲۸.
۴۲. متن کامل پیش‌نویس پیمان امنیتی و دفاعی کابل - واشنگتن، (۱۳۹۲/۹/۱)، خبرگزاری فارس، www.farsnews.com.
۴۳. متن کامل توافق اعلامیه مرسوم به همکاری استراتژی آمریکا و افغانستان، (۱۳۹۱/۸/۱۸)، خبرگزاری اسلام تایمز www.islamtimes.ir.
۴۴. مرادی، بهرام و جلال ترکشوند، ۱۳۸۹، *افغانستان جدید و امنیت جمهوری اسلامی ایران*، تهران، برآیند پویش.
۴۵. مرادیان، محسن، ۱۳۸۹، *مبانی نظری امنیت*، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی.
۴۶. ملازهی، پیرمحمد، ۱۳۸۳، *ثبات در افغانستان و نقش آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران*، کتاب *آسیای ۳ ویژه افغانستان پس از طالبان*، تهران، ابرار معاصر.

۴۷. _____، ۱۳۸۴، «فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فرا روی امنیت جمهوری اسلامی ایران»، کتاب امنیت بین‌الملل (۳)، تهران، ابرار معاصر.
۴۸. نادرپور، بابک، ۱۳۸۴، اهداف آمریکا از لشکرکشی به افغانستان، تهران، ابرار معاصر.
۴۹. نصر مشکینی، قدیر، ۱۳۸۶، «استیلاي طالبان بر افغانستان و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۲ - ۱۳۳.
۵۰. نورتن تیلر، ریچارد، ۱۳۷۹، «بازی بزرگ قدرت»، ترجمه فرانک پیروز فر، مجله رسانه دنیا، ش ۱۸۴.
۵۱. واعظی، محمود، ۱۳۹۰، تأثیر تحولات افغانستان بر تعامل پاکستان با بازی گران ذی‌نفس، معاونت پژوهشی سیاست خارجی.
۵۲. یاوری بافقی، امیرحسین، ۱۳۸۹، «تعیین تأثیر قاچاق مواد مخدر بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات مدیریت نظامی، س ۵، ش ۴.
۵۳. یزدان فام، محمود، ۱۳۸۹، ارزیابی امنیت ملی ایران در سال ۱۳۸۸ و چشم‌انداز آن در سال آینده در عرصه نظام بین‌الملل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵۴. یزدانی، عنایت‌الله و زهرا صادقی، ۱۳۸۹، «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، س ۴، ش ۳۹ و ۴۰.
۵۵. یعقوب‌زاده فرد، جلیل، ۱۳۸۷، روابط اسرائیل و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران، تهران، مطالعات راهبردی.
۵۶. یعقوبی، سیاوش، ۱۳۸۱، «همایش افغانستان و چشم‌انداز تحولات آتی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۵.
57. Hakimyar, Farshid, «The» Security Transition, «in» Rajeshwari Rishnamurthy (ed) ,Afghanistan 2014: Internal Security, Taliban& Indian Strategy, TPCS Special Focus, 2014.
58. Khan, Tahir, Neighbourhood Watch: Bilateral Security Agreement Poses New Questions for Pakistan, The Express Tribune, October 2014.
59. Nader, Alireza and Others, Iran's Influence in Afghanistan: Implications for the U.S. Drawdown, Rand, 2014.
60. Recknagel, Charles, "Explainer: Key Points in U.S.Afghanistan Bilateral Security agreement", September 30,2014.
61. SHelala II, Robert, "U.S. and Iranian Strategic Competition: Afghanistan, Pakistan,India, and Central asia", CSFS, June 2, 2012.
62. The daily Afghanistan (۱۶ جدی ۱۳۹۳): www.dailyafghanistan.com/national-detail.phb?post-id=131776.
63. www.rferl.org/content/explainer-bsa-afghan-us .../26613884.html.

